آینه‌های روبه‌رو

آقای وزیر کمی هم انصاف

سیدمحسن هاشمی

■ پیش از هر چیز، درود خدا و مومنان بر محمد پیامبر که فرمود: ایمان در سه چیز است؛ صداقت گفتار، وفای به پیمان و ادای امانت. روزنامه سینمایی کشور به نقل از وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی که گزارش برنامه تلویزیونی هفت را بازتاب داده، از قول وزیر فرهنگ و ارشـاد اسلامی آورده است: پس از دو سـال می‌خواهند گفت‌وگو کنند؟ آقای دکتر حسینی هم‌دانشـگاهی من در دانشگاه امام صادق (ع) حتمـا از خاطر برده‌اند زمانی‌که تلفنی محمدمهدی عسـگرپور مدیرعامل «خانه‌سینما» را در چهارم شهریور ۱۳۸۸ به دفترشان در دانشـگاه پیام نور واقع در بزرگراه ارتش دعوت کردند. هیات مدیره یازدهم «خانه‌سینما» به اتفاق به این حسن نیت پاسخ دادند و برای این حضور به اتفاق آرای موافقت کردند. این ملاقات به صرف افطاری و با حضور رییس و نایب‌رییس، سـخنگو و یکی از اعضای هیـات مدیره و به اتفاق دو نفر از شـورای مرکزی کانون کارگردانان و نگارنده در دفتر دکتر حسینی انجام شد. در آن دیدار با وجود اصرار نامزد وزارت (جناب دکتر حسینی) به معرفی یک نفر برای تصدی پسـت معاونت سینمایی همه حاضران «خانه‌سـینما» یکصـدا و یکپارچه با نفی مداخله در اراده و تصمیم نامزد وزارت برای تصدی پست معاونت سینمایی به ارایه برنامه پیشنهادی جامعه اصناف سینمایی که در سه صفحه و در شش بند تهیه شده بود بسنده کردند. در این جلسه دکتر حسینی چندین نوبت از سعه‌صدر و بلندنظری آقای احمدی‌نژاد در عرصه فرهنگ و هنر و گلایه ایشان از رویکرد آقای صفار هرندی وزیر وقت فرهنگ و ارشاد اسلامی، نسبت به هنرمندان سخن گفتند. در همان نشست حضرت ایشان گفتند که رویکردشان در مدیریت، تعامل مستمر با هنرمندان است. در حین افطاری رابط این نشسـت گفت که نامزد وزارت فردا هم ملاقاتی با یکی از تشـکل‌های اسلامی هنری دارند. پس از صرف افطاری آقای عسگرپور رو به آقای حسینی گفت که مراقب اشـخاص کم‌هنر مدعی انحصاری ارزش‌ها باشـید. آقای حسـینی وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی که مدعی هسـتند «خانه‌سـینما» اهل گفت‌وگو نبوده و وظایفش را انجام نمی‌داده اسـت، اینک صادقانه پاسخ دهند که با تقاضای معطل‌مانده (تامین سـرمایه اولیه صندوق بیمه بیکاری «خانه‌سینما» به تاریخ ۱۳۸۷/۱۰/۱۴) به ریاست محترم جمهور که مورخ۱۷ آبـان ۱۳۸۸ در دیدار هیات مدیره محترم «خانه‌سینما» در محل دفترشان (ساختمان بهارسـتان وزارت ارشاد) مجددا به ایشان تقدیم شد، چه کردند؟ حضرت ایشان پاسخ دهند که به تقاضای مصرانه «خانه‌سـینما» به شـماره نامه‌های۰۷۷۲-۸۸ و۰۷۸۷-۸۸ و ۰۴۱-۸۹ مـورخ ۱۳۸۸/۱۱/۱۲ و ۱۳۸۸/۱۲/۵ و ۱۳۸۹/۱/۱۷ درخصوص پرداخت اعتبارات معوقه سـال ۱۳۸۸ و درخواسـت پا درمیانی برای رفع پیمان‌شـکنی (حصر مالی) معاونت سـینمایی چه تدبیر کردند؟ جناب وزیر محترم فرهنگ و ارشـاد اسـلامی بفرمایند با چهار درخواسـت کتبی مدیر عامل «خانه‌سینما» طی ۲۶ماه گذشـته صرفا بـرای دریافت بن کتاب بـرای توزیع بین سـینماگران مولف چه کرده‌اند؟ آقای وزیر بفرمایند کی و کجـا هیات مدیره «خانه‌سـینما» را برای فیصله دادن به نزاع دوساله با معاونت سینمایی فراخواندند و نیامدند؟ هیات مدیره «خانه‌سینما» که بارها و بارها در مصاحبه‌ها و نوشته‌شان گفته و نوشته‌اند که ما دستمان زیر ساطور است و ما چاره و ابزاری جز گفت‌وگو نداریم! فراموش نمی‌کنم که مهم‌ترین آموزه درس اخلاق روزهای شنبه حاج‌آقای مهدوی‌کنی در دانشـگاه‌مان، انصاف بود. راسـتی جناب حسینی چقدر به این نکته اخلاقی توجه داشته و دارند؟ به راحتی می‌گویند «خانه‌سینما» وظایف صنفی‌اش را که امور بیمه هنرمندان بوده اسـت وانهاده است! آخر به چه زبانی گفته شود که این ماموریت و وظیفه دولت است که با تامین سرمایه اولیه صندوق بیمه بیکاری این امکان رفاهی حداقلی را برای هنرمندان و سینماگران که به‌طور فصلی اشتغال دارند، باید فراهم کند. «خانه‌سینما» بیش از ۱۲ مکاتبه و نشست فقط در این سه سال گذشته (با شخص رییس‌جمهور محترم، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، رییس دفتر رییس‌جمهور، معاونت محترم برنامه‌ریزی، وزارت‌های کار و رفاه) داشـته است که همه بی‌نتیجه و بی‌ثمر بوده است. همه خواسـته اهالی «خانه‌سینما» در سه مطالبه قانونی مطرح در برنامه چهارم توسعه (استقرار نظام صنفی در مدیریت فرهنگ و هنر، تامین سـرمایه اولیه صندوق بیمه بیکاری و تدوین و اجرای طرح امنیت شغلی) و رفع نگاه قیمومیت دولتمردان به سینماگران خلاصه می‌شود. انصاف داشته باشند کدامین این مطالبات سیاسی است؟ خانه سـینما با تدوین طرح امنیت شغلی و ارسال آن به معاونت سینمایی کوشید نظر ایشـان را برای اجرا جلب کند. آقای جواد شمقدری در دیدار اردیبهشت ماه ۱۳۸۹ با هیات مدیره در محل «خانه‌سـینما» با ستایش از این طـرح قول همکاری برای اجرایی شـدن آن دادند، اما به فاصله کمتر از ۱۰ روز مدیرکل نظارت و ارزشیابی ایشان به اظهاراتی بر خلاف ایشـان روی آورد و این طرح مسکوت شـد. آقای جواد شـمقدری پیشـتر هم در دیدار دی‌ماه ۱۳۸۸ با هیـات مدیره «خانه‌سـینما» در دفتر معاونت سـینمایی قول دادند نسـبت به باز گرداندن حق حضور نمایندگان «خانه‌سینما» در شورای پروانه فیلمسازی ظرف دو ماه آینده اقدام می‌کنند. راسـتی آقای حسـینی وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی آیا تا به حال نهیبی هم به این معاون خود که این‌گونه آشکارا و بی‌محابا خلف وعده می‌کنند، زده‌اند؟ البته بهتر اسـت شجاعت داشته باشند و رک و راسـت بگویند کـه می‌خواهند به تنهایی هنر و سینما را وفق نظرات‌شان مدیریت کنند و تحمل شریک حداقلی (دو کرسـی نمایندگان «خانه‌سینما» در شورای پروانه فیلمسـازی و شـورای‌عالی نمایش) را هم ندارند. ضرورتی هم برای شـنیدن رای دیگـر و نظری متفاوت نمی‌بینند. این همه هم خود را به زحمت نیندازند که یک روز نبرد رسانه‌ای با اتهام سیاسی کاری راه بیندازند و یک روز دعوای حقوقی و روز دیگر دسـتور انحلال اداری (غیر قانونی) صادر کنند.

نامه «عزت‌الله انتظامی» به مسوولان پیرامون انحلال «خانه سینما»

این خانه از آن ماست...

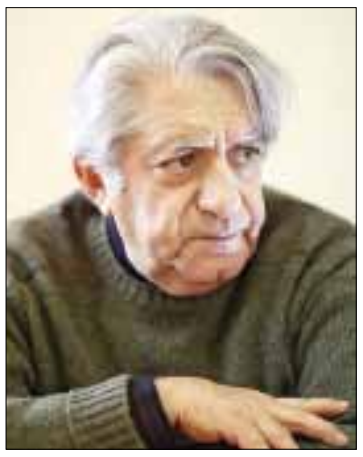

سلام...

پروردگارا، کمک کن ما یکدیگر را دوسـت داشـته باشیم و به هم رحم کنیم...

اگر با مدیران «خانه سینما» اختلاف‌نظر دارید، اگر به عملکرد مدیری ایراد دارید و بدبختانه تعامل نمی‌شود...

چرا خانه ما را ویران می‌کنید...

آخر چرا «خانه سینما»...؟

«خانه سینما» متعلق به تک‌تک اعضای هنرمند و زحمت‌کش خانه سینماست...

آیا نمی‌شـود با قانون و مقررات و صبر و حوصله در کنار هم، همه با هم مشکلات را حل کنیم...؟

این خانه از آن ماست...

جامعه اصناف سینمای ایران و هزاران نفر که عاشقانه در سینما فعالیت می‌کنند...

مـا حرمت میهمان را داریم، به امید آنکه حرمت ما حفظ شود...

ما ایرانی هستیم... ایرانی... الله‌اکبر...

همه مشاغل در کشـور ما دارای اتحادیه و سندیکا هستند

وجود صنف، نشان توجه و پیشرفت تحول در جامعه مدنی است...

آیا انحلال این خانه عظیم، نشان تحول است...؟

من به‌عنوان یکی از خادمان سینمای نجیب ایران، به‌عنوان سـپیدموی این هنر شریف و فاخر از فرزندان باعقل و خـردم انتظار دارم در کنـار یکدیگر با تعامل و همفکری و دوسـتی، هنرمندانه و بـه دور از اختلاف سلیقه‌های شخصی، مشکل پیش‌آمده را حل کنند.

بیایید عاقلانه بیندیشیم، اگر گوشه‌ای از ساختمان «خانه سینما» به علتی احتیاج به تعمیر دارد...

شما را به خدا قسم، شما را به خدا قسم، همه بنا را خراب و نابود نکنید...

چه زود... دیر می‌شود.

عزت‌الله انتظامی

هجدهم دی‌ماه یک‌هزار و سیصد و نود

واکنش‌ها به انحلال «خانه سینما» ادامه دارد

روز «نامه‌ها»

واکنش‌ها درباره انحلال خانه سـینما ادامه دارد. برخی از هنرمنـدان دربـاره پیامدهای این اتفاق سـخن گفته‌اند. همچنین درباره اینکه هنرمندان پیش از این اتفاق درخواست گفت‌وگوهای حضوری را داشتند. مجید مجیدی در گفت‌وگو با خبرآنلاین، درباره درخواستی که برای دیدار با وزیر فرهنگ و ارشـاد اسلامی داشته، اظهار داشت: «اول اینکه درخواست دیدار با وزیر از طرف وزیر نبوده و از طرف من بوده است.»او ادامه داد: «با وجود گرفتاری‌هایی که داشـتم به دلیل اینکه معتقدم مساله خانه سینما یک مطلب ملی است و همچنین به دلیل ضرورت و اهمیت مسـاله روز چهارشنبه (چهاردهم دی) حدود ساعت چهارونیم یا پنج با دفتر وزیر ارشاد تماسی گرفتم تا با وی دیدار کنم.»کارگردان فیلم سینمایی «محمد (ص)» گفت: «دو، سـه ساعتی برای یافتن وزیر و صحبت با وی تلاش کردیم. در این مدت گاه برای یافتن آقای صالحی مدیر دفتر وزیر با سختی روبه‌رو شدیم. این در حالی بود که گفته بودم با وزیر کار واجبی دارم. بعد از سه ساعت پیگیری و رساندن پیغام از طرق مختلف به وزیر بالاخره به من زنگ زدند.»مجیدی اظهار داشت: «از وزیر خواهش کردم به دلیل شرایط ایجادشده برای خانه سینما دیداری با او داشته باشم. چـون فردای آن روز برای ادامه کار فیلمم عازم سـفر بودم، تاکید کردم همین امشب باید وزیر را ببینم که گفتند وقت ندارند و قرار ما به فردای آن روز یعنی پنجشنبه (پانزدهم دی) ساعت چهار موکول شد.»این سینماگر که «بچه‌های آسمان» به کارگردانی او تنها نماینده سینمای ایران در مراسم اسکار بوده، گفت: «من سـفرم را یک روز عقب انداختم و خواستم به نمایندگی از بچه‌های سینما برای برون‌رفت از این بحران چاره‌ای بیندیشـیم. من با حسن نیت کامل می‌خواستم به دیدار وزیر بروم تا داستان حل شود.»

مجیدی سخنان خود را چنین پایان داد: «وزیر نخواست ما را ببیند. این در حالی است که ما را متهم می‌کند که نخواستیم با او تعامل داشته باشیم. صفارهرندی هم وزیر دولت نهم بود و در دوره او مـن سـه دوره داور بـودم. در زمان صفارهرندی نسبت به هنرمندان تعرضی وجود نداشت و با کمال احترام با سینما رفتار می‌کردند و متعاقبا سینماگران نیز چنین رفتاری داشتند. بر این اساس است که معتقدم ادعای اینکه ما با آنان تعامل نداشـتیم کاملا باطل اسـت به خصـوص در مورد مسـاله خانه سـینما. آقای وزیر خودتان می‌دانستید که ما می‌خواستیم در مورد چه چیزی صحبت کنیم، آن شب به برنامـه تلویزیونی رفتید و همه چیز را خراب کردید.»

هنرمند: آیا بحران‌سازی اتفاق افتاده است

محمدرضا هنرمنـد دیگر کارگردان سـینمای ایران در یادداشـتی که در اختیار خبرآنلاین قـرار داد دیدگاه خود را در مورد صدور دسـتور انحلال خانه سینما بیان کرده است. در ابتدای این یادداشت به قلم محمدرضا هنرمند آمده است: «آیا کسی می‌داند چرا هر روز دستی از آستینی بیرون می‌آید تا گوشـه دیگری از این مرز و بوم را تکانی بدهد؟ آیا کسـی می‌داند چرا باید هر روزمان را با دلهره‌ای جدید آغاز کنیم که سزاوارش نیستیم؟»

کارگردان فیلم سینمایی «مومیایی ۳» در ادامه یادداشت خود آورده اسـت: «آیا این ملت شریف و بزرگ در بحبوحه هجوم تحریم‌ها و تهدیدهای دشمنان کوچک و بزرگ، حق دمی آسایش و احترام را ندارد؟»در ادامه این متن آمده: «هنوز پس‌لرزه‌های اختلاس‌ها و آشفتگی بازار ارز و مسکن و بحران تورم و ده‌ها نابسامانی دیگر فروکش نکرده، که... این بار هدف خانه اصناف سـینمایی کشور اسـت، آن هم در سخت‌ترین و جدی‌تریـن حملات جنگ نـرم و هجوم بی‌امان فرهنگی بیگانگان. آیا این بحران‌سازی واقعا اتفاقی است؟»

تهمینه میلانی: قانع نشدم

تهمینـه میلانی نیز در نامه ای خطاب به وزارت ارشـاد نوشـت : «خانه سینما» خانه همه سـینماگران ایران است. کافی اسـت ایرانی باشید و سینماگر، تا سهم کوچکی از خانه که وسعت کمی دارد و مسایل و مشکلات بی‌شمار، داشـته باشـید؛ خانه‌ای پر از انسـان‌هایی از طبقـات اجتماعی، اقتصادی و فکری متفاوت. بیـش از پنج هزار انسان تنها همین یک خانه را دارند تا مسایل و مشکلات معیشـتی، درمانی، شـغلی و... خـود را در آن مطرح کنند. گرچه غالبا هم دست خالی بر می‌گردند، اما خب! خانه امید آنهاست و ناگهان با یک امضا تهدید به بی‌خانمانی می‌شوند. طبعا سوالی که مطرح می‌شود، این است، چرا؟ صحبت‌های مسوولان امر را با دقت شنیدم و مطلقا قانع نشدم. گیرم که مدیریت فعلی خانه، فرد صالحی نیست، گیرم که شورای خانه، دچار خطا شده و شورای دلسوزی نیست و در بدترین حالت، منافـع فردی یا حتی گروه خاصـی را دنبال می‌کنند. خب! اینکه تازگی ندارد و اساسا مساله لاینحلی نیست. در صورت لـزوم می‌توان با یک مجمع عمومـی از آنها خلع ید کرده و گروه شایسته را جایگزین آنها کرد. پس چرا در خانه ما بسته شده است؟ مگر پیشینیان ما نگفته‌اند که برای یک بی‌نماز در مسجد را نباید بست.

دانشجویان سینما: «خانه سینما» خانه امید ماست

جمعی از دانشجویان سـینمای دانشگاه سوره و انجمن علمی دانشجویان سینمای دانشگاه هنر در بیانیه‌ای نسبت به انحلال خانه سینما اعتراض کردند. در این بیانیه آمده است: «ما دانشـجویان رشته سـینما، آن‌گونه که از شأن مقام دانشـگاه و دانشـجو انتظار می‌رود بـا نگاهی منصفانه همه گفته‌ها را شنیدیم؛ هر چند بر سر همه راه‌های اطلاع‌رسانی به نفع خود تابلو یک‌طرفه گمارده‌اید و از تقابل و مناظره هم می‌گریزید.خانه سینما به عنوان نهاد مردمی، محل پیگیری مطالبات جامعه هنرمندان سـینمایی و نخبگان این عرصه اسـت و از طرف دیگـر آموزش و ارتقـای دانش این جامعه را بر عهده دارد. بی‌شـک دستور صادرشـده از طرف وزارت ارشاد چیزی جز ضربه زدن بر پیکر سینمای ایران نیست. ما دانشجویان رشته سینما حمایت خود را از این انجمن صنفی، مستقل و مردم‌نهاد اعلام کرده و هرگونه فشار بیشتر بر این خانه را که خانه امیدماست، محکوم می‌کنیم.»

شمقدری: کمیته ساماندهی تشکیل می‌شود

معاون امور سـینمایی وزارت فرهنگ و ارشـاد اسلامی در آخرین واکنش به انحلال خانه سـینما به ایسـنا گفته اسـت: «رایزنی گروه‌ها و اصناف مختلف سـینمایی برای تعیین اعضای این کمیته در جریان اسـت. به نظر می‌رسد گروهی که در این کمیته مشارکت خواهند داشت، وظایف سنگین و مسـوولیت بزرگی را بر دوش خواهند گرفت. در صورتی که منع قانونی وجود نداشـته باشد، این کمیته در ساختمان بهار محل جامعه اصناف سینمایی کشور مستقر خواهد شد.»شـمقدری خاطرنشان کرد: طبق تبصره ماده ۲۰ اتخـاذ تصمیم درخصوص واگذاری اموال و دارایی خانه سـینما برعهده وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است اما از آنجایی‌که هنوز مجمع عمومی (فعلی) خانه سینما نسبت به انحلال خود اعلام نظری نداشته و صرفا به تعطیلی دفاتر خود بسنده کرده، باید از نظر حقوقی و قانونی بررسی شود که آیا این تعطیلی به منزله همان اعلام انحلال تلقی خواهد شد یا خیر و آیا این وزارتخانه می‌تواند طبق مفاد تبصره ماده ۲۰ نسبت به تصمیم‌گیری درخصوص این دفاتر در شرایط فعلی اقدامی کند یا خیر؟ وی با اشاره به اظهاراتی در زمینه نگرانی اعضای صنوف سینمای ایران، اظهار کرد: باید گفت هیچ جای نگرانی نیسـت. همه خدمات به صنوف از طریق وزارتخانه انجام می‌شده که همچنان این روند به قوت خود باقی است. در عین حال تنها محل رجوع افراد الان مشخص نیسـت که به‌زودی با فعالیت این کمیته و راه‌اندازی دفتر خدمات امور صنفی در معاونت سینمایی این نقیصه نیز بر طرف خواهد شد.

جورج کلونی آثار هنری را پس می‌گیرد

هالیـوود ریپورتر: «جـورج کلونی»، قرار اسـت فیلمی با موضوع سـرقت آثار هنری توسـط نیروهـای نازی را کارگردانی کند. این پروژه فیلم «مردان ماندگار» نام دارد. درایـن فیلم تلاش‌های دولت آمریکا برای بازپس گرفتن آثار هنری که در جریان جنگ جهانی دوم توسط نیروهای نازی آلمان به سرقت رفته به تصویر کشیده خواهد شد.

نوه «نلسون ماندلا» فیلم پدربزرگش را می‌سازد

فارس: یک شرکت فیلمسازی آفریقای جنوبی مجموعه درام شرح حال‌گونه «مادیبا» درباره «نلسون ماندلا» را با همکاری دو شرکت فیلمسازی کانادایی و انگلیسی جلو دوربین می‌برد. نکته جالب در رابطه با این مجموعه که فعلا با نام موقت «مادیبا» شناخته می‌شود، این است که نوه ماندلا هم یکی از تهیه‌کنندگان آن است.

بیژن کامکار دف می‌زند

ایلنا: بیژن کامکار که سه اثر موسیقی در دست اجرا دارد، در کنسـرت گروه دف‌نوازان تخت‌جمشید دف می‌زند. این گروه در اسفندماه در سالن میلاد نمایشگاه بین‌المللی تهران به صحنـه می‌روند. گروه دف‌نوازان تخت‌جمشـید را مسـعود حبیبی رهبری می‌کند و متشکل از ۳۷ نوازنده دف و نوازندگان است.

اعطای جایزه یک‌میلیون‌دلاری در آرت دوبی ۲۰۱۲

شـرق: ششمین دوره جشنواره هنری آرت دوبی، در حالی از ۲۱ تا ۲۴ مارس ۲۰۱۲ (یکم تا چهارم فروردین ۱۳۹۱) برگزار خواهد شد که دو گالری «آران» و «اثر» از ایران و همچنین گالری «میلانی هلر» از آمریکا که با مدیریت یک ایرانی اداره می‌شود، در این رویداد شرکت خواهند کرد. این جشنواره سالانه که در مقام گردهمایی عظیم کارشناسان هنری، گالری‌داران و هنرمندان منطقه و سراسر جهان شـناخته می‌شود، امسـال شـاهد گردهمایی ۷۰ گالری از سراسـر دنیا خواهد بود؛ گالری‌هایی از آمریکا، فرانسـه، آلمان، ایتالیا، ایران، ترکیه و تعدادی از کشورهای عربی. در ششمین آرت دوبی، برگزاری ورک‌شاپ، سمینار بازار جهانی، تورهای فرهنگی و نمایشگاه از برنامه‌های جانبی این دوره محسوب می‌شود. همچنین در این دوره از طرف موسسه «ابراج» به آثار برگزیده جوایز نفیسی اهدا خواهد شد. از سال ۲۰۰۸ این جایزه که مبلغ آن یک‌میلیون دلار اسـت، توجه بسـیاری از مراکز فرهنگـی و اقتصادی هنر را متوجه امارات کرده اسـت. برگزارکنندگان این نمایشـگاه بزرگ هنـری قصد دارند از طریق آرت دوبی اسـتعدادهای منطقه‌ای و توانمندی خاورمیانـه را در عرصه جهانی به نمایش بگذارند. این نمایشگاه جزو معتبرترین نمایشگاه‌های خاورمیانه، شمال آفریقا و جنوب آسیاست که هر سال در ماه مارس در جزیره نخلی جمیرای دوبی برگزار می‌شود و نکته مهم در مورد آن این است که با بودجه چندمیلیون‌دلاری خود، نظر بسیاری از مجموعه‌داران و گالری‌داران بین‌المللی را جلب کرده است. حلیم‌الکریم، هنرمند عراقی معتقد اسـت، دوبی آزمایشـگاهی پر از تجربه‌های هنری است؛ کانونی داغ که چشـم‌های بسیاری بر آن دوخته شده و در مقام یک بازار «تجربی» در پیوند هنرمندان منطقه به عرصه بین‌المللی، موفق عمل کرده است. منیر شاهرودی، هنرمند باسابقه ایرانی، هم درباره هویت منطقه‌ای می‌گوید: «برچسب هنرمند خاورمیانه‌ای مانند هر برچسب دیگری وجود دارد، اما هنرمندان با کیفیت، به زودی این برچسب‌ها را پشت سر می‌گذارند و به‌واقع جهانی می‌شوند.» در عیـن حال از نگاه نظیف توپچی‌اوغلو، عکاس ترک که در اروپا به خوبی شناخته شده، بزرگ‌ترین نیاز هنرمندان منطقه، آزادی در بیان خویشـتن است. خالد حافظ، نقاش برجسته مصری هم مهم‌ترین حاصل این جشنواره را «کشف‌های جدیدی» می‌داند که حاصل کار و مطالعه سالانه گالری‌هاست.

«میم و آن دیگران» کتاب جدید دولت‌آبادی

مهر: «میم و آن دیگران» شـامل ۲۳ یادداشت است از محمود دولت‌آبادی درباره هم‌نسلان و پیشینیان خودش.

او دربـاره این کتاب می‌گوید: «این کتاب درباره دوسـتان نویسـنده، شاعر، نمایشـنامه‌نویس و هنرمندی است که آن را درباره آدم‌های همدوره خودم نوشـته‌ام و در آن از کسانی چون جلال آل‌احمد، سیمین دانشور، اکبر رادی، علی‌اشرف درویشیان و دیگران حرف زده‌ام.» در این کتاب ۱۶۰صفحه‌ای نویسـنده نام‌آشـنای ایرانی از یک نسل و چهره‌های سرشناس‌اش سخن گفته است. در «میم و آن دیگران» دولت‌آبادی به‌ترتیب درباره این نام‌ها نوشته شده است: محمدعلی جمالزاده، جلال آل‌احمد، سیمین دانشـور، مهدی اخوان‌ثالث، احمد شاملو، دو یادداشت درباره محمدعلی سـپانلو، جواد مجابی، علی‌اشرف درویشیان، سهراب شهیدثالث، پیتر هانکه، آرتور میلر، عبدالحسین نوشین، بهرام بیضایی، اکبر رادی، هوشنگ گلشیری، رضا براهنی، ناصر تقوایی، محمدرضا لطفی، سارا دولت‌آبادی، محمدحسین ماهر، فریدون آدمیت و جیمز جویس. یادداشـت او برای «هوشنگ گلشـیری» این‌چنین آغاز می‌شود: «گفت: از جاهای عجیب و غریبی گذشتم. جمله کامل بود. پس گفتم و برگشتی!به‌شدت ذوق‌زده بـودم. در جوابـم گفت آره! هجای «آ» و سـکون «ه» چنـان پر بـود از دم ریه‌ها که حرف «ر» در آن میان فرسـوده شـد. گفتم: عبور از آن دهلیزهای تودرتو که حدس می‌زنم تو تجربه کرده‌ای، انگ کار و سبک خودت است. حالا باید می‌گفتم بنویس‌شان - باید بنویسی‌شان - بیرون که آمدی از بیمارستان باید بنویسی‌شان - و در بی‌شمار تکرار این معنا در ذهنم، عاقبت توانستم به وجه اثباتی بگویم «می‌نویسی‌شان!» و دیگر مجال ندادم و گفتم: حتما؛ حتما می‌نویسی‌شان! و او با دل انگشت‌های دست راستش، شروع کرد به لمس کردن آن تکه از شیلنگ که مائده سرم را به رگ‌هایش می‌رسانید و به همان نقطه نگاه کرد.»

«میم و آن دیگران» به‌زودی پشـت ویترین کتابفروشی‌ها خواهد نشست. رمان‌های «زوال کلنل» و «طریق بسمل شدن» این نویسنده نیز توسط همین ناشر برای دریافت مجوز به اداره کتاب وزارت ارشاد ارسال شده ولی هنوز در انتظار دریافت مجوز است. «زوال کلنل» چندی پیش به زبان آلمانی ترجمه شد و این روزها هم یکی از نامزدهای اصلی جایزه ادبی بوکر آسیاست.

گزارش تصویری

پست بریتانیا به یاد رولد دال، خالق آقای فاکس شگفت‌انگیز و کلی کتاب خوب دیگر، یک مجموعه تمبر منتشر کرده است. رولد دال، داستان‌نویس و فیلمنامه‌نویس اهل ویلز بریتانیا از مشهورترین نویسنده‌های انگلیسی بود که والدینش نروژی‌الاصل بودند. داستان‌های او در میان داستان‌های پریان و داستان‌های واقعی حرکت می‌کند اما او بیشتر نویسنده خیالی نویی است. اوج شکوفایی او به عنوان نویسنده برای کودکان و بزرگسالان در دهه ۱۹۴۰ بود. مهم‌ترین آثار او چارلی و کارخانه شکلات‌سازی، جیمز و هلوی غول پیکر، ماتیلدا و داستان‌های چشم‌نداشتنی است. بیشتر آثار او به فیلم در آمده‌است. فیلم آقای فاکس شگفت‌انگیز سال گذشته به کارگردانی وس اندرسون با صدای جورج کلونی اکران شد.

مدیر شورای نظارت و ارزشیابی و خرید آثار هنری از بردن نام اعضای این شورا خودداری کرد و این اعضا را محرمانه خواند. ایرج اسکندری گفت: این شورا یکسال به صورت نیمه تعطیل درآمده بود ولی با توجه به ابلاغ مصوبه خرید آثار هنری دوباره این شورا فعالیت خود را از سر گرفته است. وی با تاکید بر اینکه «با توجه به ابلاغ این مصوبه دوباره این شورا را احیا کردیم و البته یکی، دو نفر را نیز به آنها اضافه کردیم» از افشای نام اعضا خودداری کرد.

آرت‌دیلی: آی‌وی‌وی هنرمند چینی روز جمعه در پکن گفت: مقامات موافقت کرده‌اند که او نسبت به حکم مالیاتی‌اش درخواست تجدیدنظر کند. این هنرمند بین‌المللی گفت: مقامات مالیاتی در تماسی تلفنی به او اطلاع داده‌اند که می‌تواند نسبت به رقم تعیین شده اعتراض کند و اعتراض او ظرف مدت دو ماه بررسی می‌شود. آی‌وی‌وی اظهار امیدواری کرد که پرونده‌اش با صداقت و شفافیت بررسی شود.

کلبه کوچک من

کاریکاتور ـ ۱۱۵

اردشیر خرمنکوب

■ پاسـخ مرد زمین‌دوست اما بسیار استادانه است: هر قانونی سوراخ مخصوص به خود دارد! حتی همین بازی!

و ادای مرا به‌هنگام وضو درمی‌آورد و تندتند به دست چپ و راستش دست می‌کشد. هر دو شلیک خنده سر می‌دهند. مرد جوان وسط خنده، زبانش را تا آخر بیرون می‌آورد و شیشکی سر می‌دهد. نمی‌دانم برای چه!

همه آیه‌هـای قرآن از اسـتحکام اخلاقی و جدیت محتوایـی برخوردارند. شـاید از این روی کـه بروز هر لغـزش ادبی در قرآن (ادب به معنی اسـتواری اخلاقی) می‌توانست مخاطبان او را به باتلاقی از بهره‌برداری‌های نامناسب دراندازد. در عین حال که از خدای خالقِ ادب، جز سـخن مودبانه انتظار نیسـت. در دیوان بسیاری از شـعرا و در نوشته بسیاری از ادیبان، لحظه‌های لغزش و گاه بی‌ادبانه، مشـاهده می‌شود. در مثنوی، که خاستگاه عارفانه دارد، به اشعاری برمی‌خوریم که هرگز نمی‌توانیم آنهـا را با صـدای بلند، برای خانواده خـود، بخوانیم. در دیوان ایرج میرزا، علاوه بر اشـعار شریف و ظریف، اشعار سـخیف نیز فراوان است. در قرآن، زبانم لال، اگر آیه‌ای، راه بر مطایبه می‌گشـود، مردمـان، بیخ اخلاق و رعایت ادب را برمی‌کشـیدند. مثل عبور شاه و سپاه شاه از باغ یک کشـاورز. که اگر شاه، دست به خوشه انگوری ببرد، سـربازان او، تاکستان آن شـوربخت بینوا را از بیخ و بن به‌در می‌آورند. من با چند بار مرور همه‌جانبه قرآن، تنها در سه جا، به کنایه‌ای ظریف و طنزگونه برخوردم. یکی آنجا که لقمان حکیم از پسرش می‌خواهد به‌هنگام سخن گفتن صدای خود را فروکشـد و هوار نکشد. و در ادامه، سمفونی عرعر الاغان را شاهد می‌آورد. تماشای تعدادی الاغ کـه با هم و در هم عرعر می‌کنند، لبخندی نمکین بر لب مخاطب قرآن می‌نشاند. این طنز خفیف و نیش‌دار و تلخ، هر کسـی را که به رسـم جاهلی، با صدای بلند سخن بگوید، به زیر می‌کشد. چرا که با هر فریاد، خود را در کنار الاغان می‌بیند. دومی اما به یک کاریکاتور شبیه است. هنر کاریکاتور، اکنون، به یکی از وجوه کارآمد هنر تجسمی بدل شده است. در کاریکاتور، یک مفهوم بزرگ، با درشـت نمایی، یا با ریزنمایی و با خطوطی سـاده، به طنـزی خفیف نزدیک می‌شـود. در کاریکاتور ظرفیتی وجود دارد که در سـایر شـاخه‌های هنری، دسـتیابی بدان ممکن نیسـت. اگر شما با حرکت چند خط ساده، بتوانیـد ظلم را، دروغ را، دزدی را، تجاوز را، کم‌فروشـی را و سیاسـت‌های مزورانه سیاستمداران را، برملا کنید، هم از مسـتقیم‌گویی پرهیز کرده‌اید، هم از اسـتعداد و ماندگاری هنر در ترسیم آن نکته خاص بهره برده‌اید. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، زمزمه‌ای برخاست که این انقلاب، قصد آن دارد که مراوده مسـتقیم حضوری زنان و مـردان را ناممکن کند. به نحوی که هیچ دختر و پسـری و هیچ زن و مردی، امکان تماس و هم‌نشینی با هم را نداشته باشند. هم در دانشگاه‌ها و هم در محیط کار و هم در اجتماع. این اواخر، کاریکاتوری در تقبیح این نگرش دیدم که بسیار هوشمندانه بود. این کاریکاتور در سه قاب طراحی شده بود. در قاب اول، دختر و پسری در یک جزیره تنها مانده و گرفتار شـده‌اند. در قاب دوم، آن دو از دیدن یک کشتی که به سمت‌شان می‌آید، شادمانی می‌کنند. در قاب سوم، پرده‌ای میان دختر و پسر جزیره کشـیده شده و کشتی در دوردست‌ها، دور می‌شود! این کاریکاتور، یک مقاله و ۱۰برگ مطلب را در همین سـه قاب سـاده خود جا داده اسـت. که یعنـی این جزیره، یک جامعه اسـت. با همه گرفتاری‌هایش. آن کشـتی مسوولانند. تا بیایند و رونقی به وضع زندگی مردمان خود بدهند. شادمانی این دختر و پسر، نشان از استقبال آنان دارد. که مگر عده‌ای به نجات‌شان بیایند و از گرفتاری‌ها رهایشان کنند. اما سرنشینان آن کشتی، تعریف دیگری از نجات ساکنان این جزیره دارند.

ادامه از صفحه ۹

فرشی که ساز شد

نخستین تابلوی دیجیتال جهان

به اعتقاد شـکری فرش نخستین تابلوی دیجیتال دنیاسـت. «اگر هر تابلوی دیجیتـال را از کنار هم قرار دادن چند میلیون پیکسـل معرفی کنیم که در کنار هم تصویر واحدی را به شـما ارایه می‌دهد فرش را هم می‌توان از کنار هم قرار دادن چندین میلیون گره تعریف کنیم که در نهایت تصویر واحـدی را ارایه می‌کند.»او همچنین برای ساختن سـاز فرش هر گره را به عنوان یک نت در نظر گرفت.

ویژگی‌های ساز فرش

-ساز فرش نخستین سازه موسیقایی در ایران است که با ماده کمپوزیت سـاخته شده است تا بتواند تا ۱۰ تن وزن را تحمل کند. جنس کمپوزیت آن از چوب‌های گردو، کاج، توت، آکاژو، افرا و چند نوع فلز متفاوت است.

-از آنجا که سیمی ویژه دراین ساز وجود نداشت برای نخستین بار سیم شش لایه کمپوزیت برای آن ساخته شد. جنس سیم آن مخلوطی از برنج، نیکل، کروم، استیل ضد اسید و حرارت، آلیاژ برنز، ابریشم و آلیاژ مس است.

-نخسـتین ساز یا وسیله موسیقایی جهان است که یک سـاز واحد را هم به صورت عمودی و هم به صورت افقی می‌توان نواخت و مدل افقی و مدل عمودی آن دو گونه نوازندگی متفاوت دارد. شـکری این ساز را به این دلیل طراحـی کرده که دارهای قالی در ایران به صورت افقی و عمودی وجود دارند.

-نخستین ساز چند نفره دنیاست که ساز کوچک آن را چهار نفر